

عوامل همگرایی و واگرایی در روابط ترکیه و جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲)

دوران حزب عدالت و توسعه

دکتر ابراهیم عباسی^۱ - سعیده نقاش^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۷

چکیده:

منطقه خاورمیانه از دیرباز یکی از مهمترین مناطق جهان و دارای اهمیت قابل توجه استراتژیک بوده است و دو کشور ایران و ترکیه با توجه به توانمندی‌های نرم افزاری و سخت افزاری خود همواره به عنوان دو قدرت مهم و کلیدی این منطقه مطرح بوده‌اند. ایران در دوره‌های تاریخی مختلف همواره رسیدن به یک جایگاه برتر در منطقه خاورمیانه را به عنوان یکی از رؤس هدف گذاری‌های بین‌المللی خود قرار داده است. از طرفی دیگر ترکیه همانند ایران به عنوان یکی از قدرتهای برتر خاورمیانه شناخته می‌شود، و در صدد دستیابی به موقعیت قدرت اول منطقه می‌باشد پس از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان "حزب عدالت و توسعه" در این کشور و طرح اسلام لیبرال در مقابل اسلام انقلابی ایران به چالشی جدید در سیاست خارجی ایران و به تبع آن در روابط دو کشور تبدیل شد. پژوهش حاضر در پی آن است که اولاً، تحولات روابط و مناسبات دو جانبه ایران و ترکیه را در دوران پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه مورد مطالعه قرار دهد و اینکه آیا روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه عاملی برای افزایش همکاری و تعامل دو کشور در خاورمیانه بوده است.

کلید واژه: ترکیه، حزب عدالت و توسعه، ایران، روابط سیاسی ایران و ترکیه، کردها، برنامه هسته ای ایران

مقدمه:

- استادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران
abbassi.ir@gmail.com

- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

روابط دو کشور ایران و ترکیه مبتنی بر گذشته تاریخی پرفراز و نشیبی بوده است. نگاهی به تاریخ نشانگر آن است که بسیاری از تحولات دو کشور مصادف با هم و تأثیرگذار بر هم بوده‌اند. همواره جریانی از رقابت و همکاری بین دو کشور برقرار بوده است و سرنوشت این دو کشور طوری به هم گره خورده است که چه با یکدیگر بجنگند و چه ائتلاف نمایند، از یکدیگر قابل تفکیک نیست. هدف مقاله بررسی گذشته تاریخی دو کشور نیست اما می‌توان با اشاره کوتاه به آن جریان رقابت و همکاری، صلح و دشمنی، تضاد و همراهی را بین دو کشور بهتر نشان داد. ایران شیعی و عثمانی سنی گرچه پس از توافقنامه قصرشیرین مصالحه کردند. اما این به معنای پایان درگیری‌ها نبود جدال بر سر مناطقی همچون بغداد، بصره، محمره (خرمشهر امروزی) در سال‌های مختلف بین ایران و عثمانی اتفاق افتاد. اما در دوره رضاشاه عصر جدیدی از روابط دو کشور ظهور کرد، رهبران هر دو کشور درصدد توسعه و مدرنیزه کردن کشور بودند گرچه ایران به لحاظ تاریخی حدوداً نیم قرن دیرتر از عثمانی به مدرنیزاسیون پرداخت. آتاتورک و رضاخان هر دو نسبت به امپریالیسم بریتانیا و نفوذش در منطقه دیدگاه یکسانی داشتند و ضد مداخله‌گری خارجی بودند. در این دوره فصل جدیدی از روابط بین آنکارا و تهران آغاز شد و پیمان سعدآباد در این دوره یکی از موارد نزدیکی دو کشور بود. اما با این وجود نگرانی‌ها و نارضایتی‌هایی بین دو کشور نسبت به یکدیگر وجود داشت. بعد از جنگ جهانی دو کشور به یکدیگر نزدیک‌تر شدند و تنها کشورهای اسلامی بودند که اسرائیل را به رسمیت شناختند. در سال ۱۹۵۲ ترکیه به ناتو راه یافت و ایران یکی از دو ستون سیاست نیکسون در منطقه به شمار می‌رفت و هر دو در جبهه غرب علیه تهدید شوروی قرار گرفتند. در دهه ۷۰ تنش‌هایی روابط دو کشور را تا حدودی زیادی تیره و تار کرد از جمله حمایت شاه از کردهای عراق، انتقاد مطبوعات و افکار عمومی ترکیه از دیکتاتوری شاه، حمایت گروه‌های چپ ترکیه از تعدادی از دانشجویان ایرانی و ...

اواخر دهه ۷۰ در واقع سال ۱۹۷۹ ایران، انقلاب اسلامی را تجربه کرد که روابطش با تمام کشورهای دنیا من جمله ترکیه تأثیرگذار بود، گرچه آنکارا از همان ابتدا جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و از مداخله امتناع کرد اما اختلافات فکری و

ایدئولوژیکی بین رهبران تهران و آنکارا وجود داشت و تنش‌هایی را به وجود آورد، اگرچه در این دوره ایران روابط تجاری گسترده‌ای با ترکیه داشت.

در دهه ۹۰ با فروپاشی شوروی، رقابت دو کشور نه تنها در خاورمیانه استمرار یافت، بلکه به آسیای مرکزی و قفقاز کشیده شده پیروزی اربکان در سال ۱۹۹۵ روابط دو کشور را تحت تأثیر خود قرار داد و رهبران جدید آنکار خواهان رابطه با ایران بودند و اربکان اولین سفر خارجی خود را در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی به ایران انجام داد و قراردادی ۲۰ میلیاردی در همین سال با ایران امضا کرد اگرچه مخالفت‌های زیادی از سوی آمریکا صورت گرفت، در واقع همواره منافع اقتصادی مشترک و منابع انرژی منطقه و نیاز ترکیه به نفت و گاز ایران روابط دو کشور را تحت الشعاع قرار داده است، اما پس از آن با روی کار آمدن لائیک‌ها روابط دو کشور برای بار دیگر تیره و تار شد که سرانجام در حاشیه اجلاس دی هشت سران دو کشور با هم دیدار کردند و از حجم تنش‌ها تا حدودی کاسته شد. در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی نقطه عطفی در روابط دو جانبه دو کشور آغاز شد و با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه دوره جدیدی از روابط بین تهران و آنکارا آغاز شد. در این تحقیق سعی شده است مسائلی همچون روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه، مشی و سیاست خارجی هر یک از این دو کشور در خاورمیانه و به کشف رابطه میان متغیرهای اصلی تحقیق یعنی به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در کشور ترکیه و روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور از یک سو و تبعات این جریان در خاورمیانه از سوی دیگر دست یابیم. برای گردآوری داده‌ها در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است که بخش مهمی از منابع از کتب و مقالات موجود در کتابخانه‌ها و اینترنت بوده است. در بررسی‌های صورت گرفته تاکنون کتاب یا مقاله‌ای با این موضوع در داخل کشور نگاشته نشده است و اغلب موارد موجود تنها به یک بعد از مسائل مورد بررسی این تحقیق پرداخته‌اند.

برای مثال می‌توان از میان منابع به زبان فارسی، به مقالات و کتب زیر اشاره کرد: تعامل دین و دولت در ترکیه_نوشته محمدرضا حیدرزاده نایینی، ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه_نوشته جواد انصاری، اسلام گرایان میانه رو در ترکیه_نوشته سروش جنابی، تاثیر عملکرد اسلام گرایان بر سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ سرد_نوشته اعظم سلامتی. باتوجه به آنچه که تاکنون گفته شده است، سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه مولفه‌هایی بر روابط ایران و ترکیه در دوره حاکمیت حزب اسلام گرای عدالت و توسعه تاثیرگذار (۲۰۰۲-۲۰۱۲) بوده است؟ در چارچوب نظری مورد نظر برخی مولفه‌ها تحت عوامل همگرا و واگرا در افزایش و کاهش رابطه دو کشور ایران و ترکیه در دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ بر روابط دو کشور تاثیرگذار بوده است.

چارچوب نظری:

مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای

مفهوم مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای برای نخستین بار توسط باری بوزان در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس مطرح گردید. وی بر این باور بود از آنجا که سطوح تحلیل ملی و بین‌المللی نمی‌توانند برای تجزیه و تحلیل مسایل مربوط به منطقه مناسب باشند. لذا وجود یک سطح تحلیل میانه برای این منظور ضروری خواهد بود. باری بوزان برای تعریف و مشخص نمودن مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای ویژگی‌هایی را برای آن در نظر گرفته است. در این رابطه وی اشاره دارد که از لحاظ امنیتی، منطقه به معنای شبه سیستم مشخص و مشهودی از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌ها است که به لحاظ جغرافیایی به یکدیگر نزدیک می‌باشند. دو نکته مشخص و مهم در این تعریف وجود دارد: نخست، وجود شبکه‌ای از روابط امنیتی بین واحدهای سیاسی. دوم، وجود نزدیکی جغرافیایی بین اعضای مجموعه. مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای که باری بوزان

مطرح می‌کند، دارای ویژگی‌های زیر است که در تحلیل روابط دو کشور ایران و ترکیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای مکان و فضای جغرافیایی است و فضا و مکان جایی است که در آن روابط امنیتی متوالی وجود دارد و اعضای مجموعه کشورهای هستند که به طور گسترده در این روابط هنوز دارند مث ایران، ترکیه و آمریکا (به دلیل حمایت از اسرائیل در خاورمیانه).

- وجود الگوی دوستی و دشمنی شرط اساسی تشکیل یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. در این راستا وجود ترس و هراس نسبت به یک موضوع بیش از هر چیزی خود را نمایان می‌کند و به عنوان عاملی چالشی در روابط دو کشور تأثیر می‌گذارد، مثل مطرح شدن مسأله هسته‌ای ایران یا مسأله کردها و ثبات در کشور همسایه.

- وابستگی متقابل امنیتی بین گروهی از کشورها که اعضای مجموعه را تشکیل می‌دهند؛ یعنی تأثیر و تأثر اعضای تشکیل دهنده مجموعه به طوری که هرگونه تغییر و تحول در موقعیت یک بازیگر باعث ایجاد تغییر و تحول در موقعیت سایر اعضای مجموعه می‌گردد.

- همبستگی‌های نژادی و فرهنگی از جمله عوامل تأثیرگذار بر تعیین شکل و ساختار مجموعه‌های امنیتی می‌باشد. مثل عوامل فرهنگی و قومی که به عنوان جزئی از بنیادهای روابط دو کشور ایران و ترکیه می‌باشند.

- نقش عوامل اقتصادی و ژئوپلتیکی در روابط دو کشور یا کشورهای همسایه به عنوان عوامل همگرا. (بوزان، ۱۳۸۷: ۲۱۱)

پیروزی حزب عدالت و توسعه، تأثیر آن بر روابط دو کشور

ترکیه در دهه اخیر دستخوش تحولات بسیاری شده است که بر روابط آن با سایر کشورها تأثیرگذار بوده است. در سال ۱۹۹۵ حزب رفاه در انتخابات پارلمانی ۲۱۱ از آراء را کسب کرد که نشان دهنده تقویت و رشد اسلام سیاسی در جامعه ترکیه بود و ساختار سکولاریستی دولت را با چالش بزرگی مواجه کرد. حزب رفاه و اربکان خواستار روابط با کشورهای اسلامی بودند و در این دوره روابط خود را با تهران افزایش دادند. حزب عدالت و توسعه که شاخه‌ای از حزب اربکان بود در سال ۲۰۰۲ توانست با در پیش گرفتن دیدگاهی معتدل و فارغ از گرایش‌های ایدئولوژیکی با کسب ۳۴/۲۱ آراء به پیروزی برسد.

بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه به وضوح می‌توان تغییراتی را سیاست‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی آنکارا مشاهده کرد، ترکیه‌ای که تا آن زمان، سال‌ها، گرایشش به سمت غرب بود، چرخش آشکاری در سایت خارجی خود به سمت گرایش‌های منطقه‌ای از جمله خاورمیانه و کشورهای اسلامی ایجاد کرد.

حزب عدالت و توسعه سعی کرده تا راه میانه و سیاست‌های معتدل تری را نسبت به همسایگان و خاورمیانه در پیش گیرد و با ابتکار در صحنه‌های بین‌المللی خود را به عنوان یک کشور اسلامی دموکرات مطرح کند. ترکیه تلاش کرده است با اقداماتی از جمله ایفای نقش میانجی بین فلسطین و اسرائیل، توجه به کنفرانس اتحادیه عرب، همکاری و حضور در میان نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در لبنان، همراهی با نیروهای ناتو در افغانستان، ایفای نقش در برنامه هسته‌ای ایران و برقراری روابط متوازن با سوریه ایران و عراق، نقش‌های جدی تری را در منطقه خاورمیانه ایفا کنند. (امیدی، ۱۳۹۰: ۲۳۳) در واقع باید اظهار کرد که جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه از دوران حزب عدالت و توسعه با تئوری عمق استراتژیک داوود اغلو، دستخوش دگرگونی‌های بسیاری شده است، وی دیدگاه‌های خود را در کتابی به نام عمق استراتژیک بیان کرده است.

او استدلال کرد که سیاست خارجی ترکیه دارای توازن و تعادل نیست و تأکید بیش از حد بر رابطه با اروپای غربی و امریکا و غفلت از رابطه با دیگر کشورها به ویژه خاورمیانه را نادرست دانست و معتقد بود جمهوری ترکیه روابط با دیگر کشورها از جمله شمال آفریقا و خاورمیانه را نادیده گرفته است و ترکیه امروز نیازمند بازی کردن در نقش‌های بزرگ تر است. رهبران حزب عدالت و توسعه خواستار رسیدن به تعادل در مقابل وابستگی‌های شان به غرب هستند نه جایگزین آن. (امیدی: ۱۳۹۰)

روابط جمهوری اسلامی ایران با ترکیه از سال ۲۰۰۲ پس از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان به رهبری حزب عدالت و توسعه وارد مرحله‌ای جدید شد که از آن به بهار روابط دو کشور یاد می‌شود. رابطه‌ای که تا قبل از آن نیز فراز و نشیب‌های بسیاری داشته است و رهبران سکولار و نظامی ترک همواره ایران را متهم به تهدید امنیت طی و تمامیت ارضی ترکیه می‌کردند.

ترکیه برای اولین بار از عامل دین در سیاست خارجی خود بهره گرفت و سعی کرد رابطه نزدیکی را با جهان اسلام و کشورهای اسلامی برقرار کند و خود را به سعیدیه و ایران نزدیک کند.

ترکیه که خود در تلاش و تکاپو برای رسیدن به انرژی هسته‌ای و ایجاد نیروگاه‌های اتمی است سعی کرده است در پرونده هسته‌ای ایران نقش میانجی را ایفا کند و بر حل مسالمت آمیز هسته‌ای ایران تأکید کرده است که اوج این روابط سال ۲۰۰۹ می‌باشد که آنکارا بیانیه تهران را به امضا رساند و بر حق مسلم ایران در استفاده از انرژی هسته‌ای تأکید ورزید.

از جمله موارد دیگر بر روابط ایران و ترکیه در این دوره اثرگذار بوده است روابط ترکیه و اسرائیل است که همواره از دید جمهوری اسلامی ایران از اهمیت به سزایی برخوردار بوده است، اتحاد اسرائیل و ترکیه در سال ۱۹۹۶ مبنی بر امضای توافق نامه

نظامی باعث تهدیدات جدی برای ایران شد اما پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه با افزایش رابطه ترکیه و فلسطین و انتقادات اردوغان از اسرائیل و حمایت ضمنی ترکیه از حزب اله لبنان در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل، فضای سردی بر روابط دو طرف حاکم شد و در مقابل باعث نزدیکی ترکیه به جمهوری اسلامی ایران شده است.

همچنین برقراری روابط نزدیک ترکیه علیرغم فشارهای آمریکا با سوریه به عنوان یکی از متحدین منطقه‌ای ایران، سفر بشار اسد در سال ۲۰۰۵ به ترکیه، از عوامل نزدیکی روابط ترکیه و جمهوری اسلامی ایران شده است.

در این دوره توافقات مهم امنیتی و مرزی میان مقامات مرزی دو کشور به امضاء رسید و نگاه رهبران ترک به ایران مثبت بوده است و هرگز برخلاف دوران قبل از حزب عدالت و توسعه، که رهبران نظامی آنکارا، تهران را متهم به حمایت از کردهای جدایی طلب ترکیه می‌کردند، چنین دیدگاهی را نداشته‌اند و سعی کرده‌اند از آن به عنوان تهدیدی مشترک در راستای بهبود روابط دو کشور استفاده کنند.

روابط اقتصادی دو کشور در این دوره بیش از پیش گسترش یافته است و مناسبات اقتصادی و تجاری و همکاری بخش‌های خصوصی دو کشور در این دوره افزایش یافته است. توافقات دو کشور در زمینه‌های انرژی، ترانزیت گاز ایران به اروپا و سرمایه‌گذاری در استحصال گاز پارس جنوبی، احداث نیروگاه‌های گازی و آبی، تقویت خطوط انتقال برق و توسعه بازرگانی برق بین دو کشور افزایش یافته است به طوری که در سال ۲۰۰۷ اولین قرارداد فروش برق ایران به یک شرکت خصوصی ترکیه به میزان سالانه ۵/۱ میلیارد کیلو وات ساعت در آنکارا امضاء شد که این اولین قرارداد فروش برق ایران به یک شرکت خارجی از همسایگان ایران نیز محسوب می‌شود. (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

علیرغم مسائل گفته شده در دوران حزب عدالت و توسعه روابط تهران و آنکارا همانند گذشته تاریخی روابط دو کشور، فارغ از تنش و درگیری نبوده است و چیزی از

عوامل باعث واگرایی و چندی باعث همگرایی در رابطه دو کشور شده است که هر یک به اختصار توضیح داده می‌شود.

عوامل همگرا در روابط ایران و ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه

برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

یکی از مسائل مهمی که در چند سال اخیر بر روابط ایران و ترکیه سایه افکنده است موضوع مسأله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. حمایت ترکیه از برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران در شرایط حاضر تأثیر مثبتی بر روابط دو کشور دارد. مسئولان ترک همواره سعی کرده‌اند در مورد مسأله هسته‌ای ایران موضعی متفاوت و مستقل از غرب اتخاذ نمایند. ترکیه براساس سیاست خارجی نوین خود سعی دارد نقش فعال و شاخصی را در پرونده هسته‌ای ایران به عنوان یک بازیگر مهم و تأثیرگذار ایفا کند و صراحتاً مخالفت خود را با سلاح‌های هسته‌ای اعلام کرده است و مکرراً اعلام کرده است استفاده صلح آمیز انرژی هسته‌ای حق مسلم ایران است و با دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای مخالفتی ندارد و در سال ۲۰۰۹ بیانیه تهران را به همراه برزیل به امضاء رساند و در سال ۲۰۱۰ بحث حمایت از مذاکرات مربوط به حل پرونده هسته‌ای ایران به صورت دیپلماتیک را مطرح کردند و آنها تأکید کرده‌اند مسأله هسته‌ای ایران باید از طریق مذاکره با نهادهای بین‌المللی حل شود. اما علیرغم موضع نرم و میانجی‌گرایانه آنکارا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، قطعاً موجی از نگرانی نسبت به مسلح شدن ایران به توان هسته‌ای و دستیابی به فناوری هسته‌ای در بین آنها وجود دارد و ترکیه توان هسته‌ای ایران را مخالف با اهداف منطقه‌ای و بازی نقش فرمانطقه‌ای خود می‌بیند. ترکیه بر اساس آنچه که داوود اغلو در تئوری عمق استراتژیک خود بیان کرده است. مسلماً به دنبال ایفای نقش به عنوان یک بازیگر فرمانطقه‌ای خواهد بود و این مسأله در تضاد با هسته‌ای شدن ایران و برتری منطقه‌ای آن خواهد بود. بنابراین آینده روابط دو کشور تحت تأثیر مسأله هسته‌ای ایران در هاله‌ای از ابهام وجود دارد. (مسعودی نیا، ۱۳۹۱: ۷۶)

عامل اقتصادی

وابستگی‌های متقابل در نتیجه افزایش همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های اقتصادی

در سال‌های اخیر اهمیت ویژه‌ای داشته است. سرمایه‌گذاری‌های مشترک دو کشور افزایش یافته و احداث خط آهن باکو به عنوان یکی از مهمترین پروژه‌های مشترک دو کشور در دوران اخیر بوده که با همکاری ایران، ترکیه و پاکستان طراحی و ساخته شده است. (رضازاده، ۱۳۸۶) موقعیت ژئوپلیتیکی هر دو کشور یکی از عوامل مؤثر بر ارتباطات اقتصادی، حمل و نقل،... می‌باشد، هر دو کشور دارای مرز مستقیم با قفقازها هستند، ترکیه با جنوب اروپا و ایران با جنوب آسیا به طور مستقیم ارتباط دارند و ارتباط چهار دریای مهم، دو مورد از طریق ترکیه (دریای سیاه و دریای مدیترانه) و دو مورد دیگر از طریق ایران (خزر و خلیج فارس) تأمین می‌گردد.

این موقعیت بسیار خوب ژئوپلیتیکی موجب شده است که ایران به عنوان بهترین راه ترانزیت کالا به اروپا و متقابلاً ترکیه برای ترانزیت کالا به آسیای مرکزی از مسیر ایران استفاده کند. یکی از مهمترین ابعاد روابط اقتصادی دو کشور نیاز ترکیه به منابع گازی و نفتی ایران می‌باشد، ترکیه به خوبی موقعیت ژئوپلیتیکی و جایگاه ایران در انرژی را درک کرده است و توافقات دو کشور در زمینه انرژی (گاز) گویای این مسأله می‌باشد.

به طوری که حجم مبادلات تجاری دو کشور از سال ۱۹۹۸ از میزان ۱۴/۹٪ در سال ۲۰۰۸ به میزان ۲۳/۸٪ رسید و حجم تجارت بین دو کشور در سال ۲۰۰۸ به میزان ۱۰ میلیارد دلار رسید. در این دوره کمیسیون‌های مشترک همکاری‌های اقتصادی و تجاری و سفرهای متقابل مسئولان بلندپایه اقتصادی دو کشور اتفاق افتاد. از جمله سفرهای رئیس مجلس شورای اسلامی، وزیرای جهاد کشاورزی، نفت، بازرگانی به ترکیه و سفرهای متعدد وزرای ارتباطات، کشاورزی، انرژی ترکیه به ایران. بنابراین می‌توان گفت روابط اقتصادی در این دوره فارغ از مسائل سیاسی و تنش‌های خاص آن در وضعیت خوبی به سر برده است. (رضازاده، ۱۳۸۷: ۱۳۳)

میانجی‌گری ترکیه بین فلسطین و اسرائیل و تأثیر آن بر روابط با ایران

از ابتدای تأسیس رژیم اسرائیل ترکیه آن را به رسمیت شناخت و از سال ۱۹۰۲ با

یکدیگر به مبادله سفیر پرداختند، در طی سال‌های موجودیت اسرائیل، ترکیه روابط نسبتاً پایداری با اسرائیل داشته است جز مواردی از تنش به عنوان مثال در دهه ۶۰ به علت حمایت اسرائیل از قبرس در برابر ترکیه و در سال ۱۹۶۷ حمایت ترکیه از اعراب، در جنگ اعراب و اسرائیل. سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ اوج برقراری ارتباطات سیاسی، اقتصادی و نظامی بین اسرائیل و ترکیه می‌باشد. در سال ۱۹۹۴ دمیرل به طور رسمی از وایزمن همتای اسرائیلی خود دعوت کرد تا به ترکیه سفر کند و در همین سال چپلر نخست وزیر ترکیه از اسرائیل دیدن کرد. در سال ۲۲، ۱۹۹۶ موافقتنامه سیاسی، نظامی، اقتصادی بین دو کشور به امضاء رسید که از جمله شامل مواردی چون آموزش خلبانان و سربازان اسرائیلی در ترکیه، تبادل اطلاعات امنیتی و جاسوسی و دستیابی ترکیه به عکس‌های ماهواره‌ای جاسوسی اسرائیل و آمریکا و مراکز هشدار دهنده و شنود در داخل اراضی ترکیه به منظور جاسوسی علیه ایران، سوریه و عراق می‌شد و هواپیماهای جنگنده اسرائیل توانستند در خاک ترکیه رفت و آمد کنند. (بیابان پیمان، ۱۳۹۲: ۲۴۵)

ترکیه در سال‌های اخیر سعی کرده است به عنوان یک میانجی به روند صلح خاورمیانه و مسائل جاری در خاورمیانه کمک کند. ترکیه در راستای سیاست خارجی جدید خود از سال ۲۰۰۲ بر اساس تئوری داوود اغلو مبنی بر به صفر رساندن مشکلات با همسایگان و برقراری توازن و تعادل در سیاست گرایش به غرب و در کنار آن نگاه به شرق (خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز) تلاش کرده است در روابطش با اسرائیل و اعراب تعادل ایجاد کند. گرایش به کشورهای عربی و اسلامی از سال ۱۹۹۶ به بعد در سیاست خارجی ترکیه به طور خاص اربکان آغاز شد. اربکان خواهان و پشتیبان جدی برقراری روابط با کشورهای اسلامی منطقه بود و تشکیل گروه D8 از جمله کارهای وی در این زمینه بود.

حزب عدالت و توسعه از زمان روی کار آمدن جهت‌گیری رسمی ترکیه را به سمت فلسطین تغییر داد. در سال ۲۰۰۵ عبدالله گل از مقرر دولت خودگردان فلسطین دیدار نمود و اردوغان نخست وزیر ترکیه در سال ۲۰۰۵ اظهار داشت: صلح دائمی و جامع در خاورمیانه جزء اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه می‌باشد. به نظر ترکیه تنها راه دستیابی به صلح، توافق جامع مبتنی بر هم زیستی بین دو دولت فلسطین و اسرائیل بوده و مرجع قرار دادن قطعنامه‌های سازمان ملل، بهترین راه حل مناقشه اعراب و اسرائیل است.

در سال ۲۰۰۶ به مناسبت‌های مختلف کمک‌های مالی فلسطین در ترکیه جمع‌آوری گردید و تظاهرات متعددی به عنوان حمایت از فلسطینی‌ها برگزار گردید. در سال ۲۰۱۰ طی تجاوز اسرائیل به ناوگان آزادی، نقطه عطفی برای نقش ترکیه در مسأله فلسطین ایجاد شد. و ترکیه اعلام کرد: ما آرمان به حق فلسطین را از نزدیک تعقیب و حمایت می‌کنیم زیرا معتقدیم که حل مسأله فلسطین به مثابه کلید استقرار صلح و امنیت در منطقه محسوب می‌شود. با این حال حزب عدالت و توسعه در عین مخالفت با اقدامات وحشیانه اسرائیل نسبت به فلسطین نتوانسته ارتباط خود را با تل آویو قطع کند و طی سال‌های اخیر ارتباطات اقتصادی تل آویو، آنکارا از رشد قابل قبولی برخوردار بوده است و مسائل سیاسی بر ارتباطات اقتصادی دو کشور تأثیرگذار نبوده است.

حزب عدالت و توسعه در طول ۲۰۰۶ پایبندی خود را به موافقتنامه‌های نظامی امضاء شده با اسرائیل اعلام نمود، اما به هر حال برخی اقدامات اسرائیل در این دوره و حمایت ترکیه از حماس و فلسطین سبب سردی روابط ترکیه و اسرائیل و به تبع آن نزدیکی روابط تهران و آنکارا شده است، در واقع تبدیل به فرصتی مناسب برای ایران شده است که سفر اردوغان به ایران در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۹، سفر داوود اغلو به ایران در سال ۲۰۰۹، امضای توافقنامه‌های امنیتی در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ بین تهران و آنکارا نشان از نزدیکی و گرمی روابط بین این دو کشور است و انتقادات صریح اردوغان از اقدامات

اسرائیل بسیار مورد توجه ایران قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش نسبت به حمایت ترک‌ها از فلسطین امیدوار ساخت.

مسئله کردها

مسأله کرد مهمترین عامل شکل دهنده روابط امنیتی ایران و ترکیه از گذشته تاکنون بوده است و بحران مسأله کردها طی سه دهه گذشته مهمترین چالش پیش روی دولت ترکیه بوه است، بعد از سال ۲۰۰۳، تحولات عراق موجب ایجاد یک نقطه اشتراک و همکاری میان دو کشور شده ضمن این که هر دو کشور رقابت‌هایی هم در سطح منطقه دارند اما هر دو خواهان حفظ تمامیت ارضی عراق و مخالف با شکل‌گیری دولت خودمختاری کردی در شمال عراق هستند. برای آنکارا نگرانی ناشی از این است که هرگونه تغییر و تحول در عراق و مناطق کردنشین عراقی بر جنوب ترکیه تأثیر می‌گذارد و باعث تحریک کردهای جدایی طلب ترکیه خواهد شد. در سال ۲۰۰۴ دولت ایران بر تروریست بودن این حزب کردی تأکید نمود و اظهار داشت مسئله پ.ک.ک و پژاک همکاری امنیتی بین ترکیه و سوریه، ترکیه و ایران اتفاق افتاد و در سال ۲۰۰۵ که نظام فدرال برای دولت عراق به رسمیت شناخته شد، تا حدودی از نگرانی‌های ایران و ترکیه کاسته شد. دو کشور در سال ۲۰۰۷ عملیات‌های نظامی مشترکی در خاک عراق انجام دادند و در سال ۲۰۰۸ برای مقابله با تهدیدات پ.ک.ک و پژاک قراردادی امنیتی از سوی وزراء دو کشور به امضاء رسید، و در این دوره مسأله کرد باعث همگرایی بیش تر ترکیه و ایران شده است و تروریست شناختن پ.ک.ک از جانب ایران تصویر مثبتی از تهران در ترکیه به وجود آورده و سیاست خارجی ایران باعث جلب نظر ترکیه و نیز پیوندهای اطلاعاتی گسترده‌ای شد. (رضاراده، ۱۳۸۷: ۱۳۴)

عوامل واگرا در روابط ایران و ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه

بیداری اسلامی

ایران و ترکیه هر کدام دیدگاه‌های خاص نسبت به مسائل و تحولات منطقه دارند که همسو با جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی هر یک از دو کشور است. تا دو دهه گذشته تصویر ترکیه بین کشورهای عربی خاورمیانه تصویری منفی بوده است اما از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و استراتژی جدید دولت ترکیه، سعی کرده است مشکلات خود را با همسایگان به صفر برساند و بین اعراب و اسرائیل میانجیگری کند و ارتباط خود را با کشورهای اسلامی حفظ کند. با شروع امواج بیداری اسلامی در خاورمیانه و سرنگونی دیکتاتورهای یکی پس از دیگری، با دنبال کردن این ایده که کشورهای منطقه به سوی دموکراسی حرکت خواهند کرد و این مسأله در دراز مدت امریست اجتناب ناپذیر، اقدام به حمایت و دفاع از مطالبات مردم کشورهای عربی کرده و معتقد است مطالبات مردم اصول و ارزش‌هایی است که ترکیه به آن‌ها تأکید دارد مثل آزادی‌های مدنی، حقوق بشر، دموکراسی، ... فرایند مداخله ترکیه در این جنبش‌ها عمدتاً با توصیه و نصیحت به حاکمان این کشورهای آغاز شد و پس از اوج‌گیری انقلابات به حمایت کامل از حرکت‌های مردمی و در مواردی مثل لیبی به مداخله نظامی در قالب ناتو منجر شد. دولت‌های غربی و بالاخص آمریکا ترجیح می‌دهند الگوی ترکیه را که بیش‌تر در فضای تمدنی غرب سیر می‌کند بر الگوی استکبار ستیزی و صهیونیسم ستیزی جمهوری اسلامی ایران جایگزین کنند. الگویی که بر مبنای تعامل‌گرایی با غرب و مدارا با رژیم صهیونیستی و حاوی پیام برای دنیای اسلام نیست و غرب علاقه‌مند است این کشور نماینده کشورهای اسلامی در عصر جدید و در تعامل با نظام بین‌الملل باشد و ظرفیت‌های ژئوپلیتیک خود را به حداکثر برساند و ضمن مدارا با رژیم اسرائیل روابط خود با جهان اسلام و کشورهای عربی تنظیم کند. (مسعودنیا، ۱۳۹۰: ۱۵۰)

سوریه

دمشق همواره روابط نزدیکی با ایران داشته است، اما با ترکیه در دهه ۹۰ به دلیل حمایت از پ.ک.ک تا آستانه درگیری نظامی پیش رفتند. اما با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه روابط ترکیه و سوریه وارد معادلاتی جدید گردید در سال ۲۰۰۴ اسد

اولین دیدار رسمی خود را از ترکیه انجام داد و روابط اقتصادی و نظامی بین دو کشور برقرار گردید، و در واقع سران کشور ترکیه روابط بسیار خوبی را با سوریه پی‌ریزی نمودند، اما بعد از رخدادهای بیداری اسلامی و بحران در سوریه، رهبران آنکارا در صف مخالفان بشار اسد قرار گرفتند و تحولات در سوریه، روابط ایران و ترکیه را بیش از سایر کشورها تحت تأثیر قرار داد. ایران به هیچ وجه حاضر نیست متحد راهبردی خود را در شرایط حساس منطقه از دست دهد و حامی دولت سوریه خواهد بود و این امر منجر به شکاف در روابط دو کشور ایران و ترکیه شده است. بالواقع وجود منافع و تهدیدات مشترک در منطقه باعث نزدیکی هر چه بیش‌تر دمشق و تهران به یکدیگر شده است با افزایش نقش منطقه‌ای، حمایت از جنبش‌های اسلامی موافق همچون حزب اله لبنان، حضور و نفوذ در لبنان، رفع تهدیدات اسرائیل و آمریکا و مقابله با اتحادهای نظامی اسرائیل با کشورهای منطقه، بخشی از این منافع مشترک دو جانبه است. با پیشرفت بحران در سوریه انگیزه ترک‌ها در جهت سرنگونی اسد راسخ گردید و در این مسیر از هیچ اقدامی حتی تهدید به حمله نظامی فروگذار نکردند، ترکیه درهای خود را برای هزاران نفر پناهندگان سوری گشود و سوریه را حتی تهدید به دیوان بین‌المللی دادگستری نمود، ترکیه با گذشت زمان، آتش در سوریه را به عنوان یک فرصت منحصر به فرد تاریخی برای تسلط منطقه‌ای دید و به منزوی کردن بشار اسد پرداخت و بر روی شورش‌های مخالفان اسد سرمایه‌گذاری نمود. و آنکارا بعد از صفر کردن مشکلات با همسایگان گام بعدی را در جهت سایت خارجی نوین خود برای تبدیل شدن به عنوان بازیگر قدرتمند و اول منطقه‌ای برداشت و آنکارا معتقد بود، سوریه دروازه ورود ترکیه به خاورمیانه عربی است و با تغییر در سوریه، می‌تواند موقعیت منطقه‌ای خود را بهبود بخشد و در همین راستا سعی کرد با اخوان المسلمین (اپوزیسیون) سوریه روابط نزدیکی برقرار کند. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۲)

نتیجه‌گیری:

تحولات کشور ترکیه از سال ۲۰۰۲ و در پی روی کار آمدن حزب اسلام گرای عدالت و توسعه به غیر از تاثیراتی که در داخل کشور داشته است در خارج از مرزهای ترکیه و در روابط با همسایگان و قدرت‌های بزرگ نیز تاثیرگذار بوده است که این فعل و انفعالات با توجه به موقعیت ایران در همسایگی این کشور و در خاورمیانه دارای اهمیت ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران بوده است.

ترکیه در پی به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه با توجه به تلفیقی که بین اسلام با لیبرال دموکراسی غربی انجام داده است با حمایت امریکا و اتحادیه اروپا به عنوان یک الگو در خاورمیانه مطرح گشته است.

ترکیه در این دوران از یک سو سعی کرده با تعریف نقش منطقه‌ای جدیدی برای خود به عنوان یک میانجی صلح بدون درگیر شدن در صف‌بندی‌های بین‌المللی و در عین حفظ روابط مثبت با همسایگان در ایجاد صلح در منطقه نقش اصلی را ایفا کند و در همین راستا پیشنهادهای متعدد میانجیگری از جمله بین ایران و امریکا، فلسطین و اسرائیل، گروه‌های درگیر عراقی و..... مطرح کرده است و از طرف دیگر با توجه به منافع اقتصادی سعی کرده در بازارهای مصرف کشورهای خاورمیانه حضور فعال داشته و صادرات کالاهای خود را به این کشورها افزایش دهد و به طور کلی می‌توان گفت پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه روابط تهران و آنکارا گسترش یافته است و اختلاف نظرهای سیاسی مانع گسترش روابط اقتصادی و تجاری این دو کشور نشده است.

منابع:

- ازغندی، علیرضا(۱۳۸۹)، چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات قومس
- بوزان، باری(۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- طاهایی، سید جواد(۱۳۸۷)، مثلث صلح میانجیگری ترکیه در گفتگوهای صلح بین اسرائیل و سوریه، مرکز تحقیقات استراتژیک

مقالات

- اسکندری، مجید، تیر و مرداد (۱۳۸۹)، پیامدهای روابط ترکیه و غرب بر جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز ایران
- اطهری اسداله، چتین سایا و گوکهان، تابستان و پاییز (۱۳۸۵)، ریشه‌های تاریخی روابط ایران و ترکیه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال سیزدهم، شماره ۲-۳
- اکبری، نورالدین، پاییز (۱۳۸۷)، قدرت‌یابی اسلام‌گرایان در ترکیه و تاثیر آن بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷)، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۵
- تقی ازاد ارامکی و بهروز دلگشایی، بهار و تابستان (۱۳۹۰)، مسئله مدرنیزاسیون در ایران: مقایسه تطبیقی - تاریخی ایران و ترکیه در دوران حکومت رضاشاه و اتاتورک (۱۹۲۱-۱۹۴۱)، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۵-۶
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، تابستان (۱۳۹۰)، تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر و پیامدهای آن برای ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۲
- حسین مسعودنیا، داود نجفی و عاطفه فروغی، تابستان (۱۳۹۱)، تاثیر برنامه هسته‌ای ایران بر امنیت ملی ترکیه (در پرتو تئوری توازن قوا)، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره ۲
- رضازاده، سخاوت، اسفند (۱۳۸۶)، استراتژی خاورمیانه‌ای ترکیه و محدودیت‌ها و مطلوبیت‌های ایران، پژوهشنامه سیاست خارجی، شماره ۱۹
- شفیعی، حسن، بهار (۱۳۹۱)، واکاوی عوامل موثر بر آینده روابط ایران و ترکیه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره ۱
- علی امیدی و فاطمه رضایی، پاییز (۱۳۹۰)، عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۳
- قائم‌پناه، صمد، بهار (۱۳۹۰)، تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه بعد از جنگ (۱۹۸۹-۲۰۰۸)، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۱

- صفری، ساناز، آبان و آذر (۱۳۸۶)، ترکیه و بازی با آتش، گزارش، سال هفدهم، شماره ۹۲
- مسعود اخوند مهریزی و اف استین لاری، شهریور و مهر (۱۳۸۶)، رویکرد نوین ترکیه به خاورمیانه، ماهنامه فرهنگی سیاسی اجتماعی و ادبی، شماره ۵۶-۵۷
- مسعودی نیا، حسین، زمستان (۱۳۹۱)، سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فرا روی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، شماره ۱۳
- موثقی، احمد، زمستان (۱۳۸۹)، اسلام میانه‌رو و دموکراسی در ترکیه، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵
- نیاکویی، امیر، زمستان (۱۳۹۱)، بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، فصلنامه روابط خارجی، سال ۴